

# فرهنگستان اول

## ودشواریه‌های وضع و ترویج واژه‌های نو

کاوه بیات

واژه‌های تازه‌ای به آن وارد می‌شد، جریان دیگر دوایر و مؤسسات دولتی بودند که با دخالت‌های خود در این زمینه در تعارض با اهداف و اختیارات فرهنگستان عمل می‌کردند. فرهنگستان در مورد جریان نخست، یعنی جریان اصلی زبان و ادب فارسی کار چندانی از دستش بر نمی‌آمد، چرا که این جریان خواه ناخواه و به رغم مصوبات و سلیقه‌های زودگذر حاکم به راه خود ادامه می‌داد و با توجه به محدودیت دامنه نفوذ رسانه‌هایی که در آن روزگار در کنترل دولت بود تأثیر و نفوذ مصوبات فرهنگستان نیز در این زمینه محدود بود. اما کوتاه کردن دست سایر مؤسسات و دوایر دولتی از لغت‌سازی، سپس واداشتن همین دوایر به کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات مصوبه فرهنگستان در واقع یکی از مشغله‌های اصلی فرهنگستان اول بود، و همین موضوع مقاله ماست.

در اوایل سال ۱۳۱۶ و ثوق الدوله سرپرست وقت فرهنگستان به ریاست وزرا گزارش کرد: «اخیراً دیده می‌شود که برخی از وزارتخانه‌ها و ادارات برای لغتها و اصطلاحات معمول سابق برابری وضع کرده [اند]... چنانکه در قانون اخیر وزارت عدلیه لغت سردفتر و دفتریار به کار برده شده است...» در صورتی که این امر از وظایف فرهنگستان است. وی در این نامه درخواست کرده بود تا مقرر شود که تمام وزارتخانه‌ها و ادارات فهرستی از لغتهایی که بدون مراجعه به فرهنگستان اختیار کرده بودند ارسال دارند... «تا مورد بررسی قرار گیرد و در آینده نیز هر لغت و اصطلاحی را با مشورت و نظر فرهنگستان تغییر دهند.»<sup>۲</sup>

ریاست وزرا هم مفاد این درخواست را طی بخشنامه‌ای به تمام وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل دولتی ابلاغ کرد.<sup>۳</sup> وزارت عدلیه نیز در پاسخ اظهار داشت که تاکنون «... هیچ لغت و اصطلاحی که از تصویب فرهنگستان نگذشته باشد معمول نشده است و این دو

فرهنگستان ایران که در ۱۳۱۴ تأسیس شد برای تحقق هدف خود که «حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی» بود وظایف گوناگونی را، از ترتیب فرهنگ و تهیه دستور زبان گرفته تا شناسایی کتب قدیم و تشویق و ترویج ادبیات فارسی، بر عهده گرفت. ولی از این میان آنچه بیش از موارد دیگر مورد توجه قرار گرفت مسئله پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامناسب و اختیار واژه‌های جدید فارسی بود. در واقع کار اصلی فرهنگستان در دوره نخست فعالیت‌هایش (۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰)، که معمولاً «فرهنگستان اول» خوانده می‌شود، به وضع اصطلاحات و واژه‌های نو منحصر شد و به وظایف دیگری که بر عهده خود شناخته بود نپرداخت.<sup>۱</sup> با این حال فرهنگستان در همین زمینه وضع و ترویج واژه‌های جدید نیز با دو مشکل اساسی روبرو بود: یکی جلوگیری از دخالت اشخاص یا مؤسسات غیر صالح (یا به عبارتی به رسمیت شناخته نشده) در وضع و کاربرد واژه‌های نو، و دیگری ترویج واژه‌هایی که خود وضع کرده بود.

گروهی از مخالفان فرهنگستان مانند کسروی و هوادارانش که در سالهای حول و حوش تأسیس فرهنگستان مهمترین مجمع واژه‌سازی زمان خود بودند اصولاً هدف تأسیس فرهنگستان را جلوگیری از مداخله افراد و مؤسسات غیر رسمی در این امر ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup> با توجه به عملکرد فرهنگستان در ایام سرپرستی فروغی (اردیبهشت تا آذر ۱۳۱۴) و تانی و تأملی که در کار واژه‌سازی داشت، چنین به نظر می‌آید که ادعای مزبور چندان بی‌راه نیست و انگیزه اولیه فرهنگستان فایق آمدن بر این موج گسترده لغت‌سازی بوده است. فرهنگستان در این امر با دو جریان رقیب روبرو بود، یکی جریان اصلی زبان و ادب فارسی که چه به صورت مکتوب و چه به شکل زبان رایج مردم به راه خود ادامه می‌داد و چون مانند هر پدیده زنده‌ای تحول می‌یافت احیاناً

مشکل اصلی کار فرهنگستان جانداختن واژه‌های نو بود، هنوز هم به پیشگیری از وضع و ابداع لغات و اصطلاحات جدید توجه می‌شد. در شهریور ۱۳۱۶ دفتر نخست‌وزیر (نام جدید دفتر ریاست وزرا) با ابلاغ بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل دولتی، با تأکید بر کاربرد واژه‌های پذیرفته شده متذکر شد که «نویسندگان پیش‌نویسها و نامه‌ها نه تنها رعایت این امر را نمی‌کنند بلکه غالباً واژه‌هایی [را] که سابقاً معمول بوده یا از تصویب نگذشته است به کار می‌برند...»<sup>۱۱</sup>

با این حال بودند کسانی که استفاده از واژه‌های فارسی را نیازمند به تصویب فرهنگستان نمی‌دانستند. مثلاً صفی‌نیا نماینده وزارت امور خارجه در «کمیسیون تدوین نظامنامه موقوف کردن خط و زبان خارجی از مطبوعات اداری و علائم و مصنوعات» (بهار ۱۳۱۶) در گزارش خود نوشت: «... همه روزه دیده می‌شود در وزارت خانه‌ها و ادارات و روزنامه‌ها بجای کلمات روان و ساده پارسی لغات عربی به کار می‌برند [و] به بهانه اینکه تا فرهنگستان لغتی را نپذیرفته، نباید گفت و نوشت، از نوشتن لغات و کلمات پارسی خودداری می‌شود. در صورتی که فرهنگستان بیشتر به جای اصطلاحات رسمی و اداری و لغات علمی و فنی، لغت پارسی پیدا نموده و برمی‌گزیند و نباید از پارسی نویسی ایرانیان به این بهانه جلوگیری شود، و از این گذشته فرهنگستان نمی‌تواند هزاران لغت پارسی را یکی یکی مورد آزمایش قرار داده و دستور به کار بردن آن را بدهد...»<sup>۱۲</sup>

حاشیه:

- ۱) برای آگاهی از این وظایف بنگرید به ماده دوم اساسنامه فرهنگستان. ر.ک. فریدون بدره‌ای، گزارشی درباره فرهنگستان، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۹-۲۰.
- ۲) بنگرید به نگرا، آرایش و پیرایش زبان فارسی، تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۲۷، ص ۳۰-۳۱.
- ۳) وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، فرهنگستان ایران به ریاست وزرا نمره ۱۰۶، تاریخ ۱۳۱۶/۲/۲۲، (اسناد نخست‌وزیری، شماره ۱۳۰۰۱۳، سازمان اسناد ملی ایران؛ تمام اسنادی که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند از مجموعه فوق‌اند، مگر مواردی که قید شود).
- ۴) ریاست وزرا، نمره ۲۸۱۱، ۱۳۱۶/۳/۳.
- ۵) وزارت عدلیه، اداره دفتر کل وزارتی به ریاست وزرا، نمره ۳۴۲۲، ۱۳۱۶/۳/۹.
- ۶) بلدیة طهران، نمره خصوصی ۳۱۵، ۱۳۱۴/۶/۲۰، (اسناد شهرداری، پاکت شماره ۸۶، سازمان اسناد ملی ایران).
- ۷) ریاست وزرا به فرهنگستان، نمره ۹۶۴۸، ۱۳۱۶/۶/۳۱.
- ۸) بنگرید به پانویس شماره ۷.
- ۹) فرهنگستان ایران به ریاست وزرا، نمره ۷۳۸۳/۲۸۲۸۳، ۱۳۱۶/۷/۸.
- ۱۰) ریاست وزرا به وزارت داخله، نمره ۱۰۱۱۲، ۱۳۱۶/۷/۲۵.
- ۱۱) دفتر نخست‌وزیر، نمره ۷۸۳۵، ۱۳۱۷/۶/۲۱.
- ۱۲) وزارت امور خارجه، گزارش انجمن پیرایش زبان پارسی، ضمیمه نامه ۱۳۱۶/۲/۲۹ (اسناد نخست‌وزیری، شماره ۱۱۳۰۰۸، سازمان اسناد ملی ایران). برای آگاهی از این کمیسیون و مصوبات آن بنگرید به کاوه بیات، «موقوف داشتن خط و زبان خارجی»، نگاه نو، شماره ۱، مهر ۱۳۷۰، ص ۱۱۴-۱۳۰.

لغت هم (سردفتر و دفتریار) چون به تصویب هیئت وزرا رسید، وزارت عدلیه تصور می‌کرد از مراجعه به فرهنگستان بی‌نیاز باشد.<sup>۱۵</sup> البته بخشی از دیگر ادارات دولتی نیز در این زمینه به ابتکار خود تلاشهایی کرده بودند ولی ظاهراً این لغت‌سازها و اصطلاح‌پردازها مانند مورد بالا جنبه رسمی نیافته بود. در این زمینه می‌توان به پیش‌نویس نامه‌ای اشاره کرد که شهرداری تهران برای ارسال به فرهنگستان تهیه کرده بود و در آن در مقابل اصطلاحات رایجی چون صورت مطلوبه، ریز خواسته شده؛ تلوا ارسال، پیوسته گسیل؛ رئیس دایره احصاء، سرستادینه؛ دارالانشاء، نوشتنگاه... به کار رفته بود.<sup>۱۶</sup>

با این حال چندی بعد ریاست وزرا نیز متقابلاً به فرهنگستان اطلاع داد «... از قراری که به عرض خاکهای مبارک رسیده در مکاتبات، اشخاص الفاظ جدیدی را از پیش خود وضع می‌نمایند که صحیح نیست. برای جلوگیری از این رویه مناسب خواهد بود استعمال آن کلمات ممنوع و واژه‌هایی که فرهنگستان انتخاب می‌نمایند استعمال شود. متمنی است... جدیت شود که زبان فارسی به واسطه هوی و هوس اشخاص غیرمسئول ضایع نشود.»<sup>۱۷</sup> فرهنگستان نیز در پاسخ ضمن ارسال رونوشتی از نامه پیشین خود در این زمینه<sup>۱۸</sup> تأیید کرد که «... این وضعیت موجب هرج و مرج و شیوع اغلاط در زبان فارسی می‌شود و حسن شهرت فرهنگستان را که یکی از مؤسسات خوب این عصر همایون است لکه‌دار می‌سازد...» و درخواست کرد تا به تمام مؤسسات و وزارتخانه‌ها ابلاغ شود که «بدون تصویب فرهنگستان هیچ لغتی را انتخاب و استعمال ننمایند و در تمام امور مربوط به لغت و زبان، فرهنگستان را مرجع قانونی بشناسند». علاوه بر آن بویژه به تمام ادارات و جراید اطلاع داده شود که «در نوشته‌ها و مقالات و آگهیها فقط لغات تصویب شده از طرف فرهنگستان و لغتهای جاری و معمولی را به کار برند تا اینکه خوانندگان جراید تصور نکنند که آن لغات غلط نیز مصوب فرهنگستان است، و در صورت تخلف از نویسندگان و مسئولین روزنامه مؤاخذه کنند.»<sup>۱۹</sup> ریاست وزرا نیز طی ابلاغ مفاد این نامه به وزارت داخله، با تأکید بر خواسته‌های فرهنگستان، دستور اجرای آن را صادر کرد.<sup>۲۰</sup> در مراحل بعدی نیز با آنکه - چنانچه اشاره خواهد شد -

تجارخانه‌ها، اصطلاحات و لغات جدید [را] که بر طبق قوانین مصوب و تصویب فرهنگستان باید استعمال شود، رعایت نمی‌کنند و تعمدی در استعمال اصطلاحات و لغات قدیمه دارند...» و تذکر داد چنانکه در بخشنامه اخیر<sup>۱۴</sup> اطلاع داده است، کاربرد واژه‌های جدید از وظایف مأمورین است و باید در این امر دقت شود.<sup>۱۵</sup>

چندی بعد نیز دفتر مخصوص آنچه را قبلاً به صورت شفاهی در باب نارضایی شاه از مشاهدات سفر اخیر خود به ریاست وزرا اظهار داشته بود کتباً نیز ابلاغ کرد: «... حتی دیده می‌شود که مأمورین دولتی و اولیای امور هم در شرح عرض مطلب به پیشگاه همایونی اصطلاحات منسوخه را استعمال می‌نمایند... متصدیان و مأمورین مربوطه را متوجه نمایند که هرگاه باز هم قصور و کوتاهی شود مورد مسئولیت و تعقیب واقع خواهند شد...»<sup>۱۶</sup> ریاست وزرا نیز، در پاسخ، رونوشت بخشنامه‌ای را که اخیراً در این باب صادر کرده بود به دفتر مخصوص ارسال داشت.<sup>۱۷</sup>

در این میان بخشنامه‌هایی یکی پس از دیگری صادر و به تمام وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل دولتی ابلاغ می‌شد که: «قدغن فرمایید کاربرد واژه‌ها باید کاملاً رعایت شود و هر مأموری تخلف کند بایستی به عنوان متمرّد از مقررات در دادگاه اداری دادرسی و کیفر شود».<sup>۱۸</sup> گذشته از این برای واداشتن کارمندان دولت به استفاده از واژه‌های جدید نیز شیوه‌هایی پیشنهاد شد. باز هم وزارت امور خارجه پیشقدم بود. دکتر حسین قدیمی رئیس «اداره جامعه ملل و بستگی‌های بین‌المللی» وزارتخانه مزبور که اعتقاد داشت «... اگر کندی‌ای هم در این زمینه از طرف کارمندان دیده می‌شود از آن رو نیست که نمی‌خواهند زیر فرمان یا ترتیب درستی قرار گیرند یا حس ملی در آنها کم است یا دل‌بستگی ندارند، بلکه از روی عادت است که به بکار بردن واژه‌های بیگانه نموده‌اند.» در مورد کارمندان وزرات امور خارجه پیشنهاد کرد که (۱) واژه‌های نو از بخشنامه‌های هفتگی استخراج و به صورت یک کتابچه جداگانه منتشر شود و در اختیار کارمندان قرار گیرد. (۲) کمیته‌ای مرکب از سه نفر از رؤسای اداره‌های داخلی و وزرات خارجه به مدت سه ماه تشکیل شود و پیش‌نویس نامه‌های اداری کارمندان را بررسی کنند. (۳) این کمیته بررسی پس از سه ماه برچیده شود و در عوض «... سازمان یک دادگاه اداری را برای این کار بدهد تا... هر کارمندی خلاف دستور نخست‌وزیری رفتار نماید دادرسی و کیفر شود.»<sup>۱۹</sup> با آنکه از اسناد و مدارک موجود چنین برمی‌آید که جز انتشار جزوه‌های واژه‌های نو از سوی برخی وزارتخانه‌ها اقدام دیگری برای اجرای پیشنهادها دکتر قدیمی صورت نگرفت، صدور بخشنامه‌های پی‌درپی در این زمینه ادامه یافت. چندی بعد در فروردین ۱۳۱۹ دفتر مخصوص «برحسب امر

چندی بعد حسین کی استوان، یکی دیگر از کارمندان وزارت امور خارجه در اشاره به بخشنامه‌های صادره مبنی بر عدم کاربرد واژه‌هایی که به تصویب فرهنگستان نرسیده‌اند، نظری شبیه نظر صفی‌نیا مطرح کرد. کی استوان طی نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت: «چون همیشه بخشنامه داده شده که تا واژه‌ای را فرهنگستان بیرون نداده نویسند، تا آنجا سوء تفاهم آورده که بیشتری گمان می‌کنند یکایک واژه فارسی همه کس فهم را به سان مادر، تا فرهنگستان نگوید بجای والده نوشته و گفته شود، نباید بنویسند و بگویند». البته وی اصولاً مخالف اهداف فرهنگستان نبود و تغییر «آن دسته از لغتهای بیگانه را که در زبان فارسی رسم شده و به قانون درآمده یا فارسی آن رسم نبوده»، مانند «نواقل» و «مشروطه» و «بودجه»، منوط به تصویب فرهنگستان می‌دانست، با این حال خواستار انعطاف و آزادی عمل بیشتری در این زمینه بود. چرا که به اعتقاد وی «... نباید چشم به راه نشست تا فرهنگستان بحر را بگوید دریا است»<sup>۲۰</sup> تا به کار برده شود. درحالی‌که اینگونه مباحث در مورد نقش فرهنگستان در وضع واژه‌های نو و میزان اختیاراتش ادامه داشت، فرهنگستان در زمینه‌ای دیگر که نحوه اعمال کاربرد و جاافتادن واژه‌های نو ساخته بود نیز با دشواری‌هایی روبرو شد. زیرا فرهنگستان که احتمالاً در آغاز به عنوان عامل مهارکننده وارد میدان لغت‌سازی شده بود به تدریج و بویژه در پی برکناری سرپرست‌هایی چون فروغی و حسن وثوق (۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷)، که به درستی به تأمل و تأنی بیشتری معتقد بودند، خود به نحو روزافزونی درگیر ابداع و ابلاغ واژه‌های نو شد. در واقع هرچه بر تعداد این واژه‌های نو افزوده می‌شد به همان میزان نیز کمتر به کار می‌رفت و ناموفق بودن خط‌مشی دولت در این زمینه آشکارتر می‌شد. با توجه به تأکید و توجه شخصی رضاشاه به این موضوع، چنین به نظر می‌آید که وی یکی از معیارهای توفیق و اقتدار خویش را در میزان مقبولیت و کاربرد مصوبات فرهنگستان می‌دانسته است. در همان مراحل نخست کار فرهنگستان از سوی نخست‌وزیر به تمام وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل بخشنامه شد که از قرار اطلاع و اعتراض دفتر مخصوص شاهنشاهی، رضاشاه در سفر اخیر خود به ولایات ملاحظه کرده بود که «... مأمورین و مؤسسات و

ساختن ابلاغیه‌های متعدد یا دفترچه‌هایی که در معرفی واژه‌های نو منتشر کرده بودند، مراتب تأکید و توجه خود را به این موضوع اشعار داشتند ولی آشکار بود که دولت نیز به ناتوانی خویش آگاهی دارد، همچنانکه دکتر عیسی صدیق که در همان ایام ریاست اداره کل انتشارات را بر عهده داشت و خود از اعضای فرهنگستان بود به سبب بدبینی «... بسیاری از دانشمندان و فضلا و ارباب جراید و مردم نسبت به فرهنگستان...» به کمک رشید یاسمی، یکی دیگر از اعضای فرهنگستان، در آذر ۱۳۱۹ مقاله‌هایی در توضیح- یا به عبارت دقیقتر دفاع از- اقدامات فرهنگستان در روزنامه ایران منتشر ساخت که یک ماه بعد در دی ماه به صورت جزوه‌ای تحت عنوان آرایش و پیرایش زبان منتشر شد.<sup>۲۶</sup> این نکته که در همان ایام، یعنی در زمان حکومت رضاشاه، در یکی از نشریات رسمی کشور اذعان می‌شد که «... اتفاق افتاده است که بعضیها حتی از میان اهل ادب هم بدون خواندن واژه‌های فرهنگستان به شایعه‌های بی‌اساس مردم گوش داده و لغت‌هایی را که رندان یا از راه شوخی و یا از لحاظ طعن و مسخره و یا به علت بی‌خبری و نظایر آن می‌سازند باور کرده‌اند...»<sup>۲۷</sup> خود گویای بی‌توجهی عمومی به فرهنگستان و جدایی کامل و روزافزونی است که میان فرهنگستان و فرهنگ واقعی جامعه پیش آمده بود. از این رو تلاش دکتر صدیق برای توجیه کار فرهنگستان نیز عملاً نتوانست از احکام و دستورالعمل‌های تهدیدآمیز دولت مؤثرتر واقع شود.

مبارک» به نخست‌وزیری نوشت که باز هم ملاحظه می‌شود روزنامه‌ها از کاربرد واژه‌های نو خودداری می‌کنند، پس «... قدغن فرماید ادارات روزنامه‌ها را مکلف نمایند که واژه‌های تصویب شده را در مقالات خود استعمال کنند و اگر هم مقالاتی به اداره روزنامه می‌رسد که در آنها رعایت این موضوع نشده است قبول نمایند و در ترویج واژه‌ها کمال مراقبت به عمل آید.»<sup>۲۰</sup> دفتر نخست‌وزیر نیز نخست مفاد نامه مزبور را به شهربانی ابلاغ<sup>۲۱</sup> و پس از چندی به دفتر مخصوص گزارش داد که در جلسه‌ای که با حضور مدیران روزنامه‌ها در نخست‌وزیری تشکیل شد، مقرر گردید «... هر اداره یک تن از کارمندان خود را بگمارند که تمام مقالات، آگهیها، خبرها و ترجمه‌هایی [را] که از زبانهای بیگانه می‌شود بررسی نموده و واژه‌های نو را بجای واژه‌های کهنه بگذارند.» همچنین به اداره شهربانی نیز دستور داده شد که بر تابلوهای مغازه‌ها، آگهیهای سینمایی و خصوصی و دولتی نیز از این لحاظ نظارت کند.<sup>۲۲</sup>

هنگامی که در خرداد همان سال فهرست واژه‌هایی که فرهنگستان در برابر ترکیبات عربی وضع کرده بود برای تصویب به رضاشاه ارائه شد «... مقرر فرمودند ابلاغ نماید که تنها وضع واژه‌های نو کافی نیست. متأسفانه تا به حال دوایر دولتی و غیره برای به کار بردن واژه‌ها در نامه‌ها و مطالب رسمی اقدامات و تمایل جدی نشان نداده‌اند، باید ترتیبی داده شود که دوایر دولتی و روزنامه‌ها واژه‌های برگزیده را اجباراً به کار برند تا طبقات کشور به آنها تاسی نموده با واژه‌های نو انس بگیرند.»<sup>۲۳</sup> نخست‌وزیر در پاسخ به این نامه، ضمن اشاره به تعدادی از بخشنامه‌ها و فرمانهای مؤکدی که اخیراً در این موضوع و برای تعقیب متخلفین صادر کرده بود، اظهار داشت که برای آشنایی بیشتر مردم با واژه‌های نو و برای آنکه این واژه‌ها را «... غلط تلفظ نکنند و طرز استعمال آنها را فرا گیرند دستور داده شده است که در رادیوی تهران نیز واژه‌ها و ترتیب به کار بردن آنها را به وسیله دستگاه پخش صدا به مردم بیاموزند.»<sup>۲۴</sup> و با ابلاغ بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل دولتی، از آنها خواست که اقدامات خود را در این باب و صورت «متخلفینی» را که کیفر شده بودند گزارش کنند.<sup>۲۵</sup> وزارتخانه‌ها نیز کمافی‌السابق با خاطر نشان

#### حاشیه:

- ۱۳) وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر، بدون شماره، ۱۳۱۸/۹/۹.
- ۱۴) ریاست وزرا، بخشنامه به وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل، نمره ۱۴۷۷۰، ۱۳۱۵/۱۲/۸.
- ۱۵) ریاست وزرا به وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل، نمره ۱۳۱۶/۱/۱۸، ۲۲۵.
- ۱۶) دفتر مخصوص شاهنشاهی به ریاست وزرا، ۴۶۹، ۱۳۱۶/۱/۲۵.
- ۱۷) بنگرید به پانویس ۱۴.
- ۱۸) دفتر نخست‌وزیر، بخشنامه شماره ۱۱۸۱۳، ۱۳۱۸/۹/۲۰.
- ۱۹) وزارت امور خارجه به نخست‌وزیر، شماره ۱۴۱۵، ۱۳۱۸/۱۰/۲۶.
- ۲۰) دفتر مخصوص به نخست‌وزیر، شماره ۷، ۱۳۱۹/۱/۵.
- ۲۱) دفتر نخست‌وزیر به اداره کل شهربانی، شماره ۸۶، ۱۳۱۹/۱/۱۰.
- ۲۲) دفتر نخست‌وزیر به دفتر مخصوص، شماره ۲۵۵، ۱۳۱۹/۱/۱۵.
- ۲۳) دفتر مخصوص به نخست‌وزیر، شماره ۱۵۷۹، ۱۳۱۹/۲/۹.
- ۲۴) دفتر نخست‌وزیر به دفتر مخصوص، ۳۷۱۵، ۱۳۱۹/۴/۸.
- ۲۵) دفتر نخست‌وزیر، بخشنامه شماره ۱۳۹۳۰، ۱۳۱۹/۴/۸. در دیگر اسنادی که در این زمینه ملاحظه شد، نشانی از «کیفر متخلفین» مشاهده نگردید.
- ۲۶) دکتر عیسی صدیق، یادگار عمر، ۴ ج، ۲، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۴، ص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۲۷) آرایش و پیرایش زبان، اداره کل انتشارات و تبلیغات، دی‌ماه ۱۳۱۹، چاپخانه ایران، ص ۱۴.